

کتاب میکاه

پیشگفتار

کتاب، آن گونه که در دسترس ما است، حاوی آشکال ادبی خاصی است که از سنت نبوتی به میراث برده شده، آشکالی نظیر هشدار، نکوهش، وحی های داوری، اتهامات یا دعوی عهد، وعده های نجات، بخشهای آیین نیایش. اما در مواردی که می توان شالوده اصیل قطعات را تعیین کرد، به روشنی تأثیر شخصی میکاه را در آنها مشاهده می کنیم؛ در چندین مورد، بارها محکومیت تبدیل به شکایت می شود (۱:۲-۱۶ و ۷:۱-۷) که این تأثیر حساسیتی پر ارتعاش است که نبی همیشه قادر به مهار کردنش نیست. شاید رویارویی با مقامات است که او را بر آن می دارد تا به سبکهای دعاوی حقوقی (۱:۱) به بعد؛ (۶:۱-۸) و مناقشه (۲:۶-۱۱) توجه بیشتری نشان دهد. گاه نیز حتی زبان گفت و گو نمایان می شود. در سایر موارد، سبک او که گاه آنقدر موجز است که حالتی مستتر به خود می گیرد، به لحاظ حدت و بی پرده بودن، شبیه به سبک عاموس است (۲:۶؛ ۳:۵). استفاده تقریباً مداوم از روش بازی با کلمات، گاه درک متن را دشوار می سازد. به این امر باید این عامل را نیز افزود که متن به شکلی مخدوش به دست ما رسیده. لذا گاه در مورد مفهوم دقیق برخی از بخشها جای تردید باقی می ماند.

مسائل ادبی و مربوط به زبان

مطالب کتاب طبق طرحی کلی که کاملاً خاص متون نبوتی است تقسیم بندی شده است؛ مطابق این طرح، اعلام محکومیت (فصل های ۱ تا ۳ به استثنای بخش بی قاعده ۲:۱۲-۱۳ از یک سو، و ۱:۶ تا ۶:۷ یا ۷ از سوی دیگر) و وعده های نجات (فصل های ۴ و ۵؛ و ۷:۷ یا ۸-۲۰) طبق تناوبی قاعده مند به دنبال یکدیگر می آیند. روشن است که چنین ترتیبی کار ویراستارانی است که بعد از نگارش وحی ها می زیسته اند. درضمن، مسأله ای که مطرح است، اصالت عناصر موجود در آن می باشد. محققان تقریباً به طور متفق القول معتقدند که فصل های ۱ تا ۳ و ۱:۶ تا ۶:۷ منسوب به میکاه مورثی است که در سده هشتم ق.م. می زیسته است. آیات ۲:۱۲-۱۳ و آیین نیایش موجود در ۷:۸-۲۰ عموماً متعلق به دوره بعد از بازگشت از تبعید تلقی می شود، یعنی بعد از سال ۵۳۶ ق.م.م. فصل های ۴ و ۵ شدیداً مورد بحث قرار دارند. برخی آنها را مجموعه ای از وحی های مربوط به بعد از تبعید به شمار می آورند؛ برخی دیگر نیز شالوده مطالب آن را از آن میکاه می دانند که به هنگام قرائت های مجدد و متوالی بازسازی شده اند. اما موضوع هنوز مورد بحث قرار دارد.

نبی و روزگار او

که مسؤولیتش را بر عهده دارند. شکاف میان مالکان و فقیران عمیق شده و شرایط اجتماعی رقت‌انگیز است. مناسک مذهبی با شکوهی چشمگیر برگزار می‌شود اما هیچ توبه قلبی را به همراه ندارد. این شرارت آنقدر بنیادین است که سامره و اورشلیم تبدیل به گناه مجسم می‌گردند (۵:۱). مکافات‌هایی که در نتیجه داوری خدا نازل می‌شود، دقیقاً متناسب با طغیان قوم خواهد بود. میکاه با اعلام این مکافات، از خود در تاریخ، خاطره نبی مصیبت را بر جای می‌گذارد (ار ۱۸:۲۶). اما در فاجعه‌ای که عنقریب به شهر مقدس نزدیک می‌شود اثری از خشمی کور و تسکین‌ناپذیر مشاهده نمی‌شود، بلکه اثر داوری خدایی دیده می‌شود که بی‌عدالتی را تحمل نمی‌کند. نبی به آرمانی از عهد اشاره می‌کند که آن را به گونه‌ای زیبا در ۸:۶ خلاصه کرده است: اسرائیل بر اساس برگزیدگی خود داوری شده است.

با وجود همه اینها، کتاب میکاه به این چشم‌اندازهای تاریک محدود نمی‌شود. مکافات می‌تواند تبدیل شود به دعوتی به بازگشت و توبه. در همین شرایط موجود نیز خدا در قبیله کوچک افراته، وسیله‌ای برای احیا فراهم می‌سازد (۵:۱-۵) که پادشاهی مسیحایی از نسل داود از آن بر خواهد خاست. اتحاد مجدد قبایل پراکنده اسرائیل، آغازگر آرامش عظیمی خواهد بود که تا اقصای زمین را فرا خواهد گرفت. اورشلیم بدل به مرکزی برای جذب تمامی جهان خواهد شد و ملت‌ها از هر سو به آنجا خواهند شتافت تا خدا را ملاقات کنند و کلام او را دریافت دارند (۵:۱-۴). بازمانده کوچک اسرائیل منبع

نام میکاه حالت مخفف عبارتی استفهامی است: «کیست مانند یهوه؟» (ر.ک ۱۸:۷) و می‌تواند عبارتی باشد مربوط به نیایش خداوند (مز ۱۱۳:۵؛ ۳۵:۱۰؛ ۸۹:۷-۹؛ اش ۶:۴۴ به بعد). این نام چندین بار در کتاب مقدس ظاهر می‌شود. باید توجه داشت که نبی‌ای که این کتاب را نوشته، با میکاه نبی که در ۱-۲۲ (و ۲-توا ۱۸) آمده، فرق دارد.

عموماً دهکده مورثت را که مطابق عنوان کتاب زادگاه میکاه است (۱:۱)، با تل‌الجذیده یکی می‌دانند. لذا نبی از اهالی یهودا است، و به بیانی دقیق‌تر، متعلق به ناحیه هموار واقع در جنوب غربی پایتخت می‌باشد. وقتی به روزگار و رویدادهای تاریخی که در کتاب مورد اشاره قرار دارد می‌اندیشیم، به اهمیت تعیین این منطقه پی می‌بریم.

پیام نبی

بنابراین، موعظه میکاه اساساً شرایط اخلاقی و مذهبی یهودا را هدف قرار می‌دهد. مردم اورشلیم بر این باورند که می‌توانند از مواهب عهد، در معنای تجاوزناپذیری تضمین‌شده شهر خود، بهره بگیرند. میکاه اعلام می‌دارد که این احساس امنیت، کاذب است. اگر خدا به تعهدات خود وفادار باقی می‌ماند، برخلاف آن، انسان می‌تواند تعهدات خود را نادیده بگیرد. اما در اورشلیم آز و پول دوستی بزرگان، ابعادی هولناک به خود می‌گیرد؛ و انبیا و داوران نیز بیشتر به فکر منافع خود هستند تا به راستی و انصافی

کرد: او به آن در ۶:۱-۷ اشاره می‌کند. اتفاق مهم دیگر عبارت است از تهاجم به دشت هموار از سوی سنخاریب به سال ۷۰۱ ق.م. زادگاه نبی در منطقه عملیات لشکریان آشور محصور است. میکاه حتی می‌بیند که مصیبت به اورشلیم نیز نزدیک می‌شود و سقوط آن را اجتناب ناپذیر تلقی می‌کند (۸:۱-۱۶ و ۱۲:۳).

بدینسان میکاه درگیر تلاطماتی می‌شود که سرزمینش را فرا می‌گیرد. اما بر خلاف اشعیا، او عملاً درگیر سیاست نمی‌شود. برای مثال، او فعالیت سیاسی مسؤولان مملکتی را مورد داوری قرار نمی‌دهد. اما اتفاقاتی را که رخ می‌دهد، نتیجه اجتناب ناپذیر گناه اسرائیل به حساب می‌آورد، خصوصاً بی‌عدالتی اجتماعی و سازش با مذاهب بیگانه.

میکاه در مبارزه خود، مردی تنها می‌نماید، تنها در برابر قوم گرچه در رنجشان شریک است، تنها در برابر بزرگان (یعنی کاهنان و داوران و رؤسا؛ ر.ک میک ۳)، و نیز تنها در برابر انبیای کوردلی که آینده‌ای پرسعدت و مرفه را موعظه می‌کنند (میک ۲:۶-۱۱). اما او با شجاعت با ایشان روبرو می‌شود چرا که می‌داند از سوی روح خداوندی هدایت می‌شود که قوت انجام رسالتش را به او عطا می‌کند (میک ۳:۸).

برکت برای این ملت‌هایی خواهد بود که به سوی خدا بارگشت کرده‌اند، و در قبال قوم‌های طغیان‌گر، نقش ابزار انتقام الهی را ایفا خواهد کرد. تمامی امنیت‌های کاذب بشری، تمامی آیینهای دروغین، و تمامی رسوم بت‌پرستی از میان خواهد رفت. اسرائیل تماماً تسلیم خدا خواهد شد و نجات خود را تنها از مداخلت الهی انتظار خواهد کشید.

بر اساس عنوان کتاب، میکاه رسالت خود را در زمان سلطنت یوتام و آحاز و حزقیا، پادشاهان یهودا به انجام رساند، یعنی بین حدود سالهای ۷۵۰ و ۶۹۷ ق.م. به این ترتیب، او همدوره است با اشعیا اول. با اینحال هیچ بخشی از کتاب با قطعیت حاکی از این نیست که او در دوره یوتام بر صحنه ظاهر شده باشد و بیشتر باید خدمت او را مربوط دانست به اواخر سلطنت آحاز. سؤال این است که آیا عنوان کتاب شامل تمام فعالیت‌های نبی می‌شود یا نه. برخی بخشها که حالتی بسیار تند دارد، می‌تواند یادآور منسی، پادشاه بی‌دین، و دوره او باشد. در این صورت، طبق این فرضیه، رسالت نبی بین سالهای ۷۲۵ تا ۶۸۰ ق.م. تحقق یافته است. در این دوره زمانی، دو رویداد مهم رخ داده. یکی سقوط سامره است به سال ۷۲۲ ق.م. که بعد از یک سلسله بحران‌ها در خاندانهای سلطنتی روی داد. میکاه این فاجعه را تجربه

|

۲۳۸۲

—

— |

کتاب میکاه

عنوان

۱ کلام یهوه که بر میکاه مورثتی در روزگار یوتام و آحاز و حزقیای، پادشاهان یهودا، فرا رسید. آنچه که او دربارهٔ سامره و اورشلیم دید.^a

محکومیت پرصلابت اسرائیل

اش ۱:۲ گوش کنید، ای همگی شما، ای قوم‌ها!^b

دقت نما ای زمین و آنچه آن را پر می‌سازد!

بادا که خداوند یهوه بر علیه شما^c شاهد باشد،

خداوند، از معبد مقدسش.

۳ زیرا اینک یهوه از مکان خود بیرون می‌آید،

بر ارتفاعات زمین فرود می‌آید. ۱۳:۴

کوههای زیر او ذوب می‌شوند

و دره‌ها شکافته می‌گردند،

به سان موم در حضور آتش،
به سان آبهای که در سراشیبی جاری می‌شوند.

۵ همهٔ اینها، به سبب جنایت یعقوب و به سبب گناه^d خاندان اسرائیل. کدام^e است جنایت یعقوب؟

آیا سامره نیست؟

و کدام است گناه^f یهودا؟

آیا اورشلیم نیست؟

۶ از سامره توده‌ای از خرابه‌ها در صحرا ۱۲:۳ خواهد ساخت،

مکانی که در آن تاکستان می‌کارند؛

سنگهایش را در دره خواهد غلتاند، ۴۴:۱۹

و بنیادهایش را عربان خواهد ساخت.

۷ تمامی تمثال‌هایش خرد خواهد شد،

تمامی اجرت‌هایش با آتش خواهد سوخت ۱۴:۲

سوخت

و از تمامی بت‌هایش ویرانه‌ای خواهد

ساخت؛

a تحت اللفظی: «کلام... که بر میکاه شد... که در باره... دید».

b تحت اللفظی: «گوش کنید، قوم‌ها همگی ایشان».

c یا «در میان شما».

d قرائت عبری: «گناهان» به جمع. قرائت ما مبتنی است بر ترجمهٔ یونانی که احتمالاً قرائت اصلی بوده است.

e تحت اللفظی: «کیست جنایت یعقوب». گناه در اینجا شخصیت یافته است.

f قرائت عبری: «مکان‌های بلند». ترجمهٔ ما مبتنی است بر ترجمهٔ یونانی. با توجه به توازی مصرع‌ها و ارتباطی که این مصرع با

بخش اول آیه دارد که در آنها کلمات «جنایت-گناه» به کار رفته، احتمال دارد اصطلاح «مکان‌های بلند» نتیجهٔ یک

بازنگری باشد و کلمهٔ اصلی همان «گناه» بوده باشد. در این مکان‌های بلند بود که عبادات غیرشرعی صورت می‌گرفت که

تجلی گناه و جنایت اسرائیل می‌باشد.

چرا که آنها را با اجرت روسپی بر هم
انباشته
و آنها به اجرت روسپی تبدیل خواهند
شد.^g

۱۰ در جَت آن را اعلام مدارید^l،
در... اشکها بریزید^k!
در بیت-له-عَفْرَه
در خاک بغلتید!^g
۱۱ به... بگذر،
ای دختر ساکن در شافیر!
از شهر خود^m بیرون نیامدهⁿ
آن دختر ساکن در صَانان!
مرثیهٔ بیت-ها-ایصل^o
حمایتش را از شما بر می دارد.
۱۲ چرا که برای اموالش به لرزه در آمده
دختر ساکن در ماروت^p،
زیرا مصیبت از جانب یهوه فرود آمده
تا به دروازه های اورشلیم.
۱۳ اسب جنگی را به ارا به ببند

۲- سمو: ۱: ۲۰

مرثیهٔ نبی

^h به سبب این، می خواهم مرثیه بخوانم و
زوزه سر دهم^h،
و پای برهنه و عریان راه روم؛
مرثیه ای همچون شغالان خواهم خواند،
و نوحه ای همچون شترمرغان.
^g چرا که درمان ناپذیر است زخم او!^g
زیرا که آن (زخم) تا به یهودا رسیده،
تا به دروازهٔ قوم رسیده است،
تا به اورشلیم.

ار: ۱۸: ۲۳-
یوشع: ۱۵: ۳۵-۴۴
اش: ۱۰: ۲۶-۳۲
۲- سمو: ۱: ۳۰
اش: ۲: ۲۰-۴
ایو: ۳۰: ۲۸-۳۰

مز: ۲۰: ۸-۹

g اجرت روسپیان یا به صورت نقدی بود یا به صورت تقدیمی هایی که به خدایان دروغین نذر می شد. هدایایی که به روسپیان مذهبی داده می شد، می بایست صرف زیباسازی معابد شود. فاتحان آشوری وقتی این بتها را خرد کنند، فلزات گرانبهای آنها را مجدداً برای پرداخت اجرت روسپیان به کار خواهند برد.

h این مرثیه بر دروازه شهر واقع در دشتهای پست در جنوب غربی اورشلیم سروده شده. اکثر این شهرها قابل شناسایی بوده اند؛ اما محل چندین مورد از آنها را فقط با توسل به حدس می توان تعیین کرد. همهٔ آنها بر سر راه لشکر سنخاریب قرار داشتند که در سال ۷۰۱ ق.م. از ناحیهٔ فلسطین به سوی اورشلیم حرکت می کرد.

I تحت اللفظی: «ضربه های او». مصیبت در اینجا به شکل موجی تصویر شده که رفته رفته شدیدتر می شود تا جایی که پایتخت سرزمین را نیز تهدید کند و «تا به دروازه های اورشلیم» برسد. این تصویر ما را به یاد هجوم سنخاریب بر یهودا در سال ۷۰۱ ق.م. می اندازد.

J نقل قول از مرثیهٔ داود برای شاول و یوناتان (۲- سمو: ۱: ۲۰). خاطرهٔ عدلام (آیه ۱۵)، پناهگاه داود در تبعید، اشارهٔ دیگری است به سختی های پادشاه. شاید نگارنده به این وسیله می خواهد بگوید که مصیبت قریب الوقوع در مجازات هایی جامعهٔ عمل خواهد پوشید که خدا بر خاندان سلطنت اسرائیل وارد خواهد آورد.

k متن عبری تا پایان فصل مخدوش است. یکی از علل این امر می تواند این باشد که این مرثیه بر اساس تکرار حروف بی صدا و حروف صدادار و بازی کلمات با اسامی شهرها و مصائبی که بر آنها وارد می آید تصنیف شده باشد. به هنگام انتقال متن، این صنایع ادبی با دقت لازم مورد توجه قرار نگرفته و متن دچار تغییر شده. در برخی موارد، ناگزیر هستیم یا به توسل به حدس یا به اعتراف به ناآگاهی مان. - در آیه ۱۰، تحت اللفظی این است: «گریه مگرید». این فعل منفی در اینجا معنایی نمی دهد و باید عنصری از نام شهری باشد که در هیچ جای کتاب مقدس به آن بر نمی خوریم، مگر آنکه تصور کنیم به «قعيله» در یوشع ۱۵: ۴۴ اشاره شده است.

l می توان این گونه نیز قرائت کرد: «در خاک در غلتیده ام». در اینجا میان نام «بیت-له-عفره» و کلمهٔ عبری «عَفْرَه» به معنی خاک، بازی کلمات وجود دارد.

m قرائت عبری: «عربانی، شرمساری». ترجمهٔ ما مبتنی است بر اصلاح متن.

n در اینجا میان نام «صَانان» و واژهٔ عبری «یصه» (یعنی بیرون آمدن) بازی با کلمات وجود دارد.

o محل این شهرک مشخص نیست.

p در اینجا با معنی نام «ماروت» که ریشه اش به معنی «تلخ» است، بازی کلمات وجود دارد.

زیرا ایشان دور از تو به تبعید برده شده اند.

بر علیه بهره کشان

۱ وای بر آنان که ظلم را می اندیشند ۱-۲۱۱
۲ و بدی را بر بسترهایشان طرح می ریزند؛

به محض اینکه بامداد می درخشد، آنها مز ۵:۳۶
را به عمل می آورند، مز ۶:۱۸
حزق ۱:۲۰

زیرا که در قدرت دستشان می باشد!

۲ به مزارع طمع می ورزند و آنها را می دزدند،

و به خانه ها، و آنها را تصاحب می کنند؛ خروج ۲۰:۱۷
اس ۵:۸

به صاحب و به خانه اش خشونت می ورزند،

به شخص و به میراثش^x. عا ۱:۴

۳ به این سبب، چنین سخن می گوید
یهوه:

ای دختر ساکن در لاکیش^q؛
در آنجا آغاز گناه بود برای دختر صهیون،
چرا که در تو جنایات اسرائیل یافت شده
است.^r

۱۴ به این سبب رخصتش را خواهی داد
به مورشت-جت^s؛

خانه های اکذیب تبدیل به فریبی
خواهند شد

برای پادشاهان اسرائیل^t.

۱۵ دیگر بار بر تو فاتح را خواهم آورد،

ای دختر ساکن در مریشه^u!

برای همیشه از عدل^vم خواهد رفت ۱-سمو ۲:۲۲

جلال اسرائیل!

۱۶ مویهایت را بتراش، آنها را بچین،

به سبب پسرانت که خوشی های تو بودند^v؛

تراشیدگی خود را همچون لاشخور وسیع

گردان^w،

ار ۷:۲۹؛
اش ۲۲:۱۲؛
ار ۳۱:۱۵

عا ۱۰:۸

q در اینجا میان نام «لاکیش» و واژه عبری «لارکش» به معنی «به گاری» یا «به اسبان جنگی» بازی کلمات وجود دارد. این شهر جزو شهرهای سازنده ارا به است که به دست سلیمان بنا شد (۱-پاد ۹:۱۹؛ ۲-توا ۵:۹). اینجا شاهد جدل سخت انبیا بر علیه ارا به ها و اسبان هستیم که پادشاهان و مقامات حکومتی بیشتر بر آنها که وسایلی انسانی بیش نبودند، اتکا داشتند تا بر خداوند.

r بخش پایانی این آیه احتمالاً حالت توضیحی دارد.

s «مورشت» تداعی کننده «مورشته» به معنی «نامزد» است؛ تفسیر این امر روشن نیست. در نظر برخی، معاهده ای که بر اساس آن یهودا باید جدایی مورشت، این نامزد خود را بپذیرد، همپراز قرارداد طلاق است. برخی دیگر معتقدند که قوم برگزیده باید مهریه، یعنی خراجی به فاتحی که صاحب جدید شهر است بدهد؛ این صاحب جدید، در واقع تبدیل به بعل (صاحب، ارباب) شهر می شود که یکی از معانی آن شوهر نیز هست. یاد آوردن مورشت نشان می دهد که نبی چقدر نسبت به آنچه که برایش بسیار عزیز است، یعنی موطن کوچکش، حساس است. تمام شهرهایی که در این مرثیه به آنها اشاره شده، در نزدیکی زادگاه او قرار دارند.

t میان «اکذیب» و واژه عبری «اکدو» به معنی «دروغ و فریب» بازی کلمات وجود دارد. این شهر احتمالاً یکی از قرارگاههای دوردست یهودا بوده است.

u میان کلمه عبری «هایورش» به معنی «فاتح» و نام «مریشه» شباهت آوایی وجود دارد. می توان این گونه نیز قرائت کرد: «آیا وارثی به تو داده خواهد شد؟» و کلمه عبری «یورش» را در معنی دیگرش مد نظر گرفت. در این صورت، معنی آیه چنین خواهد شد: «کسی که می آید وارث نخواهد بود، بلکه فاتح».

v تراشیدگی سر یکی از رسوم سوگواری است.

w گردن لاشخور در بعضی از قسمت ها فاقد مو است.

x چنین افشاگری شدیدی از مظالم اجتماعی دلمشغولی سایر انبیای قرن هشتم ق.م. یعنی عاموس و هوشع و اشعیا را نیز تشکیل می دهد. ساختار حکومت که در اثر ظهور پدیده سلطنت بر مردم تحمیل شده بود، جای هیأت قدیمی متشکل از اتحاد مقدس قبیله ها را گرفته بود، اما نتوانست ارزشهای برابری و برادری را که در نظام قدیمی وجود داشت حفظ کند. این وضع سبب

اش: ۱۷:۳۴
 عا: ۱۷:۷
 مز: ۵:۱۶-۶
 ۵۵:۷۸

که ریسمان را روی سهمی بیفکند^b
 در اجتماع یهوه.

کلام خدا با منافع انسانی پیوند داده می شود

ایشان هذیان زده می گویند که هذیان
 مگوئید^c،
 باشد که این گونه هذیان نگویند:
 ننگ^d بر ما نخواهد رسید.

اش: ۳۰-۱۰
 ار: ۱۱:۲۱
 هو: ۷-۸
 عا: ۱۶:۷
 ۱۲:۲

آیا ممکن است خاندان یعقوب لعنت شود؟

آیا یهوه شکیبایی را از کف داده؟
 آیا این روش عمل کردن او است؟
 آیا سخنان او^e خیرخواهانه نیست
 برای کسی که با درستی سلوک می کند^f؟
 از دیرباز قوم من به دشمنی برخاسته؛
 از روی جامه، ردا را بر می کنبد^g

خروج: ۲۲:۲۶
 تث: ۱۳:۱۷

اینک بر علیه این نسل
 بدی ای را می اندیشم ۱۳:۵۵
 که از آن گردن خود را بر نخواهید
 افکند،

و سر بلند نخواهید رفت؛
 زیرا که زمان مصیبت خواهد بود.
 در آن روز، در باره شما هجوی بیان
 خواهند داشت
 و ناله ای سر خواهند داد:
 خواهند گفت: «تمام شد^l، بالکل نابود
 گشتیم!

سهم قوم من به ریسمان اندازه گیری شده
 است.^z
 چگونه آن را از من بر می دارد،
 [چگونه] مزارع ما را برای مرتد تقسیم
 می کند^a؟»
 به این سبب، کسی برایت نخواهد بود

بروز شکاف طبقاتی شده بود و سبب شده بود که نخبگان جامعه که فقط در پی کسب منافع بودند و توده مردم عادی بیش از پیش رو در روی هم قرار گیرند. این کارگران که رفته رفته اینچنین زیر بار سنگین اقتصادی کمر خم می کردند، به تدریج تبدیل به رعیت و حتی برده می شدند.

Y بعضی چنین ترجمه کرده اند: «و ناله ای سر خواهند داد- که هم اینک تمام شده-، خواهند گفت: «بالکل نابود گشتیم».

Z قرائت عبری: «سهم قوم مرا می فروشند». ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه یونانی. اراضی به طور ادواری به وسیله فرعه مورد تقسیم مجدد قرار می گرفت و این امر در طی مراسمی مذهبی انجام می شد.

a نكوهشهای میکاه به هیچ وجه برخاسته از عوام فریبی نیست. آنچه که در اینجا افشاگری می شود، پیش از هر چیز، بی وفایی نسبت به الزامات عهد است. این عهد معرف آرمان همبستگی و اخوت مذهبی است که در اثر بهره کشی شرم آور از فقیران زیر پا گذاشته می شود. مجازاتی که در پی می آید، منطقی است: گناه باعث گسست عهد می گردد، و تقسیم سرزمین مقدس میان بی ایمانان بدیهی ترین نشانه آن می باشد.

b آیه ۵ به گونه ای موجزتر محکومیت مذکور در آیات ۳-۴ را از سر می گیرد. این محکومیت یا خطاب به قوم که همچون یک واحد تلقی شده بیان شده، یا به تک تک افرادی که آن را تشکیل می دهد.

c در عبری، این اصطلاح به معنی «جاری کردن، آب دهان بر آوردن، و چکیدن» می باشد. در عا ۱۶:۷ درست مانند میک ۶:۲، این اصطلاح از دهان دشمنان نبی بیان شده، تا به شکلی تحقیرآمیز، خدمت او را تعریف کنند. در اینجا و در ۱۱:۲، میکاه این تعریف و تمجید را به خود آنان بر می گرداند (ر.ک همچنین حزق ۲:۲۱، ۷).

d در ترجمه ما، متن کمی اصلاح شده؛ منظور «ننگی» است که موعظه های میکاه ایشان را به آن تهدید می کند.

e ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه یونانی. قرائت عبری: «سخنان من».

f تحت اللفظی: «با عادلانه که راه می رود».

g ردا همچون لحاف و پتو نیز به کار می رفت و به همین دلیل، جز اموال انتقال ناپذیر محسوب می شد. نگه داشتن آن همچون گروهی دائمی مجاز نبود (تث ۱۰:۲۴-۱۳).

از آنان که با اطمینان گذر می کنند
و از جنگ باز می گردند.

۹ زنان قوم را می رانید

از خانه خوشی هاشان:

از فرزندان شان بر می دارید

جبروت مرا^h برای همیشه!

۱۰ به پا خیزید! به راه بیفتید!

این مکان استراحت نیست!

به سبب ناپاکی مضطرب خواهید شد،

و از اضطرابی بی رحم!

۱۱ اگر شخصی بود که به دنبال باد

می دوید

و دروغها بیان می کرد که:

برای تو می و نوشیدنی های قوی

پیشگویی خواهم کرد!

او پیشگویی کننده این قوم می بودⁱ.

خداوند، تبعیدیان را گرد می آورد^j.

۲ آری، یعقوب را تماماً متحد خواهم

ساخت،

خروج ۲۱: ۲۲-
: ۲۳
تث ۲۷: ۱۹-
۲- ۱: ۴

ار ۳۱: ۵

ع ۱۲: ۲

حزق ۳۴:
۲۸-۱۵: ۳۷

آری، بازمانده اسرائیل را گرد خواهم
آورد:

ایشان را با هم به سان بره ها در آغل

خواهم نهاد،

به سان گله ای در میان چراگاهش:

انبوه پرهیاهو از آدمیان خواهد بود^k!

۳ آن کس که شکاف را می سازد در

مقابل ایشان بر می آید،

شکاف می سازند و از دروازه بر می جهند

و از آن بیرون می آیند:

پادشاهشان در برابر ایشان می گذرد،

و یهوه در رأس ایشان!

بر علیه بزرگانی که از قدرت خود

سوء استفاده می کنند

۳ و گفتم:

پس گوش فرا دهید، ای بزرگان

یعقوب

و ای قضات خاندان اسرائیل!

آیا بر شما نیست که حق را بشناسید، هوه ۱:

^h احتمالاً به حقوق وراثت اشاره می شود. این عبارت را می توان اینچنین استنباط کرد: «افتخاری که به هنگام تقسیم ارض مقدس

به ایشان دادم». کل این اتهام به نظر می رسد که مربوط می شود به غصب زمینها و بی عدالتی های مربوط به این امر.

ⁱ نبی دروغین می خواهد که به او مشروب سکرآور بدهند. شاید اینجا اشاره ای باشد به عیاشی های ثروتمندان (ع ۱: ۴): اش

۵: ۱۱، ۲۲ و غیره). با توجه به بازی کلمات میان «شکر» (یعنی مشروب سکرآور) و «شقر» (یعنی دروغ)، احتمالاً در اینجا

اشاره ای هست به حالت نشئه و خلسه ای که به طور تصنعی و به طور خاص یا مشروبات سکرآور ایجاد می شود. در اینجا، کلمه

«پیشگویی کننده» در عبری به معنی «آب دهان بر آوردن» می باشد که قبلاً به شکل «هدیان گفتن» ترجمه کرده ایم.

^j این قسمت مستقل وبدون ارتباط باخط و آیه قبل و آیه بعد میباشد و مربوط به زمان تبعید میباشد وعهد خداوند اعلام میکند که

اسرائیل برخواهد گشت ومثل گله توسط یهوه بعنوان چوپان وشبان به سرزمین خود بازگردانده خواهند شد.

^k تحت اللفظی: «این به سبب آدمیان سر و صدا خواهد کرد». متن عبری فاقد قطعیت است. می توان اینگونه نیز برداشت کرد:

«همه ایشان از ادوم بر خواهد خاست».

۱ آیات ۱۲ و ۱۳ احتمالاً مربوط به این بخش نمی شود. معمولاً آنها را نتیجه بازخوانی مربوط به دوره بعد از تبعید یا دوره تبعید

می دانند. اندیشه گردآوری گله در ار ۲۳: ۳-۷ و خصوصاً در حزق ۳۴ یافت می شود که در آنجا دقیقاً در مورد گله انسانها

بحث می شود (حزق ۳۱: ۳۴). تغییر ناگهانی زمان افعال در آیه ۱۳ در مقایسه با آیه ۱۲، احتمالاً به علت استفاده از زمان

گذشته نبوتی است: بیننده رؤیا رویدادی را که آن را قریب الوقوع می پندارد، طوری بیان می کند که گویی قبلاً اتفاق افتاده

است.

۲:۵:۲۰؛ عاش: ۱۴-۱۵	۲ شما که نیکویی را نفرت می‌دارید و بدی را دوست،	۶ به همین سبب، شب را خواهید داشت: دیگر رؤیایی نخواهد بود!	زک: ۱۳-۴-۵
حز: ۳۴-۱۰	که پوست را از روی مردمان بر می‌کنید و گوشت را از روی استخوان‌هایشان؟	ظلمات را خواهید داشت: دیگر غیب‌گویی نخواهد بود!	
اش: ۳-۱۵	۳ ایشان گوشت قوم مرا می‌درند و پوست را از روی او بر می‌کنند؛	خورشید برای انبیا غروب خواهد کرد و روز برای آنان تاریک خواهد شد.	
	استخوان‌هایش را می‌شکنند، او را همچون گوشت در دیگچه تکه تکه می‌کنند ^m	۷ رؤیت کنندگان شرم خواهند داشت و غیب‌گویان شرمسار خواهند شد؛ همگی سبیل خود را خواهند پوشاند ^o ، زیرا که از خدا پاسخی نخواهد بود.	
	و همچون گوشت در درون دیگ ⁿ . ۴ آنگاه به سوی یهوه فریاد بر خواهند آورد،	۸ اما من، از قدرت لبریز شده‌ام، و از عدالت و از شجاعت، تا بر یعقوب جنایتش را برملا سازم و بر اسرائیل گناهش را ^p .	عاش: ۳-۸
۱۱:۱۱؛ مز: ۲۲:۲۲-۲۵؛ اش: ۵۹:۲؛ حز: ۱۸:۱۸	اما او ایشان را جواب نخواهد داد؛ روی خود را از ایشان پنهان خواهد ساخت، در آن زمان، چرا که مرتکب اعمال بد شده‌اند.		

مکافات: ویرانی اورشلیم

۹ پس به این گوش فرا دهید، ای بزرگان خاندان یعقوب
و ای قضات خاندان اسرائیل
که عدالت را نفرت می‌دارید
و هر آنچه را که راست است کج می‌سازید،
۱۰ شما که صهیون را با خون بنا می‌کنید حب: ۲-۱۲
و اورشلیم را با بی‌عدالتی!
۱۱ بزرگان‌ش برای هدیه داوری می‌کنند، اش: ۱-۲۳
کاهنان‌ش در مقابل پرداخت تعلیم

علیه انبیای حریص و پول‌دوست

۵ چنین سخن می‌گوید یهوه
علیه انبیایی که قوم مرا گمراه می‌سازند:
اگر دندان‌هایشان چیزی برای گاز زدن داشته باشد،
فریاد می‌کنند: «آرامش!»
اما به آن کس که چیزی در دهان ایشان نمی‌گذارد
جنگ مقدس را اعلام می‌دارند!

^m ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه یونانی. قرائت عبری: «تکه تکه می‌کنند مطابق آنچه که در دیگچه (هست)».

ⁿ این تصویری است واقع بینانه و خشن که حزقیال در چارچوب تصاویر نمادین گله بار دیگر به کار خواهد برد (حزق ۱۰:۳۴؛ ر.ک ۱۸، ۳۴).

^o این حرکت که معادل است با پوشاندن صورت، حاکی از نجس بودن است (لاو ۱۳:۴۵) یا از سوگواری (حزق ۱۷:۲۴-۲۲). این اصطلاح مشابه است با ۱۶:۷.

^p میگاه در مقابل انبیای دروغگویی که وحی خود را به میزان رشوه‌ای که دریافت می‌کردند اعلام می‌داشتند، چهره نبی‌ای را عرضه می‌کند که امین است و از بیان حقیقت واهمه‌ای ندارد، حتی اگر برای مخاطبینش سنگین و تحقیرآمیز باشد و برای خودش خطرناک. نبی در اینجا همچون پیام‌آور داوری ظاهر می‌شود، اما شجاعت و قابلیت تشخیص او «به واسطه روح یهوه» عطا شده. این عبارت را که در آغاز آیه آمده و حالتی توضیحی دارد، ما در ترجمه خود حذف کرده‌ایم.

می دهند،

انبیایش برای پول غیب‌گویی به جا می‌آورند.

و اتکایشان بر یهوه است و می‌گویند: آیا یهوه در میان ما نیست؟ هیچ بدی بر ما وارد نخواهد آمد.

^{۱۲} به این جهت، به سبب شما، صهیون منزعه‌ای خواهد بود که شخم می‌زنند،

اورشلیم توده‌ای از ویرانه‌ها خواهد بود، و کوه «خانه» تبدیل به بلندی‌ای پر از درخت خواهد شد.^۹

همه ملت‌ها به اورشلیم روان خواهند شد

^۴ ^۱ واقع خواهد شد، در دنباله روزها، که کوه خانه یهوه در قلعه کوهها برقرار خواهد شد و بر روی تپه‌ها بلند خواهد گشت. به سوی آن، قوم‌ها روان خواهند شد و ملت‌های بیشمار خواهند آمد. خواهند گفت: «بیایید به کوه یهوه برآییم و به خانه خدای یعقوب، تا طریق‌های خود را به ما تعلیم دهد و در جاده‌های او سلوک نماییم.» چرا که شریعت از صهیون بیرون خواهد

اش ۲:۲-۴
یو ۲۱:۴-۲۴
مت ۱۴:۵
ار ۵۱:۴۴
اش ۶۶:۱۸-۲۰:۲
حجی ۲:۷
زک ۲۰:۸-۲۱
ار ۳۱:۶
اش ۵۶:۶-۸
اش ۶۰:۱۱-۱۴

آمد،

و کلام یهوه از اورشلیم^۲.
^۳ او در میان قوم‌های بیشمار داوری خواهد کرد

و برای ملت‌های نیرومند، تا به دوردستها، تصمیم خواهد گرفت.

ایشان شمشیرهای خود را به گاو آهن‌ها حرق^{۳۹} ۹:۳۹
ریخته‌گری خواهند کرد
بول ۹:۴-۱۱

و نیزه‌های خود را به داس.
شمشیر را بلند خواهند کرد، ملت بر علیه ملت،
و دیگر جنگ را نخواهند آموخت.

^۴ هر یک زیر تاک خود خواهند نشست و زیر درخت انجیر خود، بی آنکه کسی ایشان را مضطرب سازد؛

زیرا دهان یهوه لشکرها سخن گفته است.
^۵ در واقع، همه قوم‌ها هر یک به نام اش ۲:۵
خدای خود سلوک می‌کنند،
ولیکن ما به نام یهوه، خدای خود سلوک می‌کنیم،
برای ابد و همیشه^۵.

گرد آمدن آنچه که پراکنده شده

^۶ در آن روز- وحی یهوه-
جمع خواهیم کرد آنچه را که لنگ شده،
گرد خواهیم آورد آنچه را که گم شده

حزق ۳۷:۲۱
پید ۳۲:۳۲
صف ۳:۱۹
حزق ۳۴

q ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه یونانی. قرائت عبری: «بلندیهای...» «بلندیها» اصطلاحی است فنی که دلالت دارد بر مکان‌های بلند بت پرستی. این بار اول است که پیامی در مورد ویرانی اینچنین بنیادین شهر و معبد آن به اورشلیم اعلام می‌شود. این وحی چنان اثری بر جای خواهد گذاشت که یک قرن بعد، مخاطبین ارمیا آن را خود به خود به یاد خواهند آورد (ار ۱۸:۲۶).
r در دوران معادشناختی، صهیون، یعنی سینای جدیدی که از آنجا شریعت صادر خواهد شد، باید در قبال ملت‌های بت پرست نقش واسطه کهنانته و نبوتی را ایفا کند، همان نقشی که کاهنان و انبیا در قبال صهیون در جریان تاریخ نجات ایفا می‌کردند.
s آیات ۱-۴ بدون تغییری قابل ملاحظه، در اش ۲:۲-۴ یافت می‌شود. فقط نتیجه گیری اشعیا (اش ۵:۲)، ضمن القاء حالتی مشابه با میک ۵:۴، از نظر محتوا با آن فرق دارد؛ اشعیا می‌گوید: «ای خاندان یعقوب، بیایید و در نور یهوه سلوک نماییم.» در زمینه موضوعات مربوط به بر آمدن ملت‌ها به اورشلیم، ر.ک اش ۵۶:۴-۸؛ ۶۰؛ ۶۶:۱۸-۲۰؛ حجی ۲:۷؛ زک ۲۰:۸-۲۳.

- و آنچه را که مورد بدرفتاری قرار داده بودم.
 ۳:۲۳ از آنچه لنگ شده بازمانده ای خواهم ساخت،
 و از آنچه ضعیف شده، ملتی نیرومند.
 ۷:۵۲ یهوه بر ایشان در کوه صهیون سلطنت خواهد کرد،
 از کنون و تا ابد.^۱
 و تو، ای برج گله،
 ای عوفل^۲ دختر صهیون،
 به تو باز خواهد گشت
 سیطره نخست،
 پادشاهی دختر اورشلیم.
- مصائب و رهایی دختر صهیون**
 ۹ اینک چرا فریادها بر می آوری^۳؟
 ۱۹:۸ آیا نزد تو پادشاهی نیست؟
 آیا مشاورت هلاک شده
 که دردها تو را همچون زنی که می زاید
 ۴۳:۵۰ فرا گرفته است^۴؟
 ۱۰ بلرز و درد بکش،
 ۹-۷:۶۶ ای دختر صهیون، به سان زنی که می زاید؛
- چرا که اینک از شهر بیرون خواهی آمد
 و در صحرا ساکن خواهی شد.
 تا به بابل خواهی رسید؛
 در آنجا رهایی خواهی یافت،
 در آنجا یهوه تو را بازخیرد خواهد کرد
 از چنگ دشمنانت.
 ۱۱ و اینک بر علیه تو متحد شده اند^x
 ملت های بیشمار
 که می گویند: «بادا که آلوده شود
 و چشمانمان صهیون را مشاهده کند!»
 ۱۲ اما ایشان آگاهی ندارند
 از طرح های یهوه،
 و تقدیر او را درک نمی کنند؛
 او ایشان را گرد آورده است همچون
 بافه ها در خرمنگاه.
 ۱۳ به پا خیز! و لگدمال کن، ای دختر ۳۳:۵۱
 صهیون.
 زیرا ساخت را از آهن خواهم ساخت،
 و سمهایت را از مفرغ^z؛
 قوم های بیشمار را خواهی نوشید،
 عایدات آنها را برای یهوه نذر خواهی
 کرد^a،
 و ثروتشان را برای خداوند تمامی زمین.

t موضوع آیات ۶-۷ به طور تنگاتنگ با موضوع ۲:۱۲-۱۳ پیوند دارد که در آنها، گردآمدن تبعیدیها و بازگشتشان به صهیون اعلام شده است.

u این کلمه در وهله اول به معنی غده است، سپس معنای برآمدگی زمین را به خود گرفت و در نهایت، مترادف با زمین مرتفعی گردید که بر آن شهری بنا می شد. این واژه در مورد اورشلیم و سامره همچون نام خاص به کار رفته است.

v نبی که چشم انتظار تحقق رؤیای خوش بینانه آینده ای است که در آیات قبلی ذکر شده، در وحی مذکور در ۴:۹-۱۳ به شرایط دردناک زمان حاضر باز می گردد، اما کماکان چشم انداز امید و وعده را نگاه می دارد.

w در کتاب مقدس مصائبی که برای آخرزمان پیش بینی شده اغلب با درد زایمان مقایسه شده است (ار ۴:۳۱؛ ۶:۲۴؛ ۲۳:۲۲؛ ۳۰:۶؛ ۵۰:۴۳؛ اش ۱:۵۴؛ ۳-۱:۳۶؛ ۷-۹:۶۶).

x موضوع گردآمدن ملت ها برای نبردی نهایی در حزق ۳۸-۳۹؛ زک ۱۴:۲؛ یول ۹:۴-۱۷؛ و مکا ۸:۲۰-۹ یافت می شود.

y مشاهده ویرانی اورشلیم در ملت های شادی شروانه ای پدید می آورد.

z صهیون به گاوی تشبیه شده که غله را با پا می کوبد، اما اندکی بعد این تصویر تا حدی انسجام خود را از دست می دهد، چرا که غله را با شاخ نمی کوبند. در اینجا دو تصویر در هم می آمیزند: صهیون مانند گاوی، قوم ها را لگدمال می کند، اما درضمن، همچون حیوانی خشمگین، ایشان را با شاخهایش می درد.

a قرائت عبری: «نذر خواهم کرد». ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه یونانی و ترجمه های قدیمی.

اورشلیم در محاصره

۱۴ اینک بر خود جراحاتی بسیار وارد آور^b،

بر علیه ما سنگر گذارده اند؛

۲- سمو ۷:۱۰-۱۴ با ضربات چماق می نوازند

بر گونه های داور اسرائیل^c.

باز می گردد،

به روزگاران باستان.

۲ به این سبب، او ایشان را تسلیم خواهد کرد

تا آن زمان که آن زن که باید بزاید، فرزندی به دنیا آورد؛

اش ۷:۱۴؛
۱:۵۴-۱:۱۰؛
۶۶:۷-۹

و بازمانده برادرانش باز خواهد گشت

به سوی بنی اسرائیل.

۳ او^h به پا خواهد ایستاد و [گله اش] را خواهد چرانیدⁱ

۲- سمو ۵:۵؛
مز ۳:۷۲-۴؛
۷۸:۷۰-۷۲

به قوت یهوه،

با جبروت نام یهوه، خدایش.

ایشان برقرار خواهند شد، زیرا آنگاه او

بزرگ خواهد شد

تا به اقصای زمین.

ظهور رئیس مسیحایی

۱ و اما تو^d، ای بیت لحم، ای افراته^e،

۲- سمو ۷؛
اش ۱۱:۹؛ ۱۱:۱۱؛
سمو ۱:۱۱؛ ۱۲:۱۷؛
اش ۲۲:۶۰

که در میان قبیله های یهودا کوچک هستی^f،

از تو است که برای من بیرون خواهد

آمد^g

آن که باید بر اسرائیل فرمانروایی کند

که منشأهایش به زمان های کهن

۲- سمو ۷:۸؛
ار ۲۱:۳۰

b تحت اللفظی: «ای دختر سپاهیان». در اینجا بازی کلماتی وجود دارد که قابل ترجمه نیست. اصطلاحات عبری که مترادف با «جراحت» و «سپاه» است، از ریشه ای مشابه برخوردار است. مجروح ساختن خود یکی از رسوم توبه و استغاثه به خدایان بود که نزد کنعانیان و اقوام مجاور رواج داشت؛ این رسوم از سوی شریعت منع شده بود (لاو ۱۹:۲۸؛ ۲۱:۵؛ تث ۱۴:۱)، اما در میان مردم اسرائیل عمیقاً مرسوم بود. در وولگات، فصل پنج از این جمله آغاز می شود. به همین دلیل، شماره آیات در فصل ۵ در ترجمه های مبتنی بر وولگات، یک شماره جلوتر است.

c منظور از داور اسرائیل احتمالاً مسؤول جامعه می باشد.

d سنت یهودی-مسیحی همواره این وحی را نبوتی مسیحایی انگاشته که اعلام کننده ظهور شخصیتی است که می بایست در آینده ظهور کند و رسالتش حکمرانی بر اسرائیل می باشد. منشأ او خاندان سلطنتی یهودا است. زیرا او که قرار است در بیت لحم ولادت یابد و چویان گله مسیحایی باشد، باز نمودی از داود نوین است (ر. ک ۱- سمو ۱۶؛ ۲- سمو ۵:۷؛ ۸). متی تحقیق این وعده را در خود ولادت عیسی مشاهده کرده است (متی ۲:۶). همچنین ر. ک یو ۷:۴۲.

e قرائت یونانی: «ای بیت لحم، ای خاندان افراته». در متی ۲:۶ چنین آمده: «و تو ای بیت لحم، زمین یهودا». «بیت لحم» قاعدتاً باید یک توضیح باشد، زیرا این کلمه دلالت بر یک شهر دارد نه بر قبیله. اما واقعیت این است که این توضیح خالی از دقت نیست، زیرا افراته (به معنی بارور) که در وهله اول اشاره به خاندانی داشت که در منطقه بیت لحم مستقر بود (۱- سمو ۱۷:۱۲؛ روت ۱:۲)، مترادف شده بود با بیت لحم (پید ۳۵:۱۹؛ ۴۸:۷؛ روت ۴:۱۱).

f در متی ۲:۶ چنین آمده: «تو به یقین کمترین از [شهرهای] بزرگ یهودا نیستی». در خصوص کلمه «کوچک» ر. ک داور ۱۵:۶؛ ۱- سمو ۲۱:۹. قرائت تحت اللفظی «قبیله ها»، کلمه «هزاران» می باشد، یعنی گروههایی از افراد که می توانستند هزار مرد جنگی در اختیار سپاه قرار دهند (ر. ک اعد ۱:۱۶؛ ۴:۱۰؛ ۳۶؛ یوشع ۲۲:۲۱، ۳۰؛ داور ۶:۱۵؛ ۱- سمو ۱۰:۱۹؛ ۲۳:۲۳). عبارت «در میان... کوچک هستی» حالتی موجز شده دارد: قرائت عبری آن چنین است: «برای آنکه در میان قبیله های یهودا به شمار آیی، کوچک هستی.»

g احتمالاً در اینجا خداوند است که سخن می گوید؛ مسأله او با مسأله اسرائیل یکی می شود. متی ۲:۶ چنین تصریح می کند: «زیرا از تو است که آن رئیس بیرون خواهد آمد که قوم من اسرائیل را چویانی خواهد کرد» و به این شکل، با محتوای میک ۱:۵ و ۲- سمو ۵:۲ پیوند می یابد. در خصوص اصطلاح «بیرون خواهد آمد»، ر. ک اش ۱:۱۱.

h منظور مسیحای موعود است.

i در یونانی، به جای «خواهد چرانید» آمده: «او خواهد دید و خواهد چرانید».

مز:۷۲

۴ و او است که آرامش خواهد بود!
آن هنگام که آشور به سرزمین ما بیاید
و زمین ما را لگدمال کند،
ما علیه او برخواییم انگیخت هفت چوپان
و هشت رئیس از مردان^k.
۵ ایشان سرزمین آشور را با تیغ خواهند
چرانید،

۶-۴:۲۳

پید:۱۰-۸:۱۰

و سرزمین نمرود را با شمشیر!
او [ما را] از آشور رهایی خواهد داد آن
هنگام که او به سرزمین ما بیاید
و لگدمال کند قلمرو ما را.

بازمانده ملت‌ها در آخزمان

۶ آنگاه بازمانده یعقوب در میان قوم‌های
بیشمار

پید:۲۷-۲۷:۲۹
ث:۳۳-۱۳-۱۵
هو:۱۴

همچون شبمنی خواهد بود که از یهوه
می‌آید،
همچون رگباری بر روی علف،
که چیزی از انسان انتظار ندارد
و به بنی آدم امید نمی‌بندد.
۷ آنگاه بازمانده یعقوب در میان ملت‌ها^m،
در میان قوم‌های بیشمار،
همچون شیری در میان حیوانات جنگل
خواهد بود،

پید:۸-۴۹
اعد:۲۳-۲۴
۹-۸:۲۴

همچون شیربچه‌ای در میان گله‌های بره؛
اگر گذر کند، لگدمال می‌کند،

و اگر بدرد، کسی برای رهانیدن نخواهد
بود!ⁿ

۸ دست تو علیه مخالفان بلند خواهد شد
و تمامی دشمنان تو نابود خواهند گشت.
خداوند بتها و تکیه‌گاههای بشری را
نابود خواهد ساخت

۹ در آن روز، واقع خواهد شد - وحی
یهوه -

که اسبانت را از میان تو نابود خواهم
ساخت

و ارا به هایت را از میان خواهم برد؛
۱۰ شهرها را از سرزمینت نابود خواهم
ساخت

و تمامی دژهایت را از میان خواهم برد؛
۱۱ افسونگری‌ها را از دستت نابود خواهم
ساخت

و دیگر طالع بین نخواهی داشت؛
۱۲ بت‌ها و ستون‌هایت را نابود خواهم
ساخت

و دیگر سجده نخواهی کرد
در برابر عمل دستهایت؛
۱۳ تیرهای مقدست را از میان تو برخوایم
کند

۱۴ و بعل‌هایت را از میان خواهم برد.
و با خشم و غضب انتقام خواهم کشید
از ملت‌هایی که گوش فرا ندهند.

ج قرائت عبری: «کاخهای ما». قرائت ما مبتنی است بر ترجمه یونانی که از نظر رعایت توازی سازگارتر است.
k چنین سلسله ارقام افزایش یا بنده معمولاً دلالت دارد بر تعدادی چشمگیر.

l قرائت عبری: «در دروازه‌هایش». ترجمه ما مبتنی است بر یک نسخه یونانی و بر قاعده توازی با مصرع اول در این آیه (تیغ).
قرائت عبری احتمالاً در اثر جایجایی دو حرف در این کلمه به وجود آمده است.

m عبارت «در میان ملت‌ها» در برخی از نسخ خطی نیامده و از نظر توازی و وزن، اضافی است.

n این وحی ای است مضاعف با توازی ای شدید که نقش «بازمانده» را در میان ملت‌ها در دوران مسیحایی تصریح می‌کند. این
نقش بسته به نحوه عمل ملت‌ها، می‌تواند مثبت باشد یا منفی، یعنی بسته به اینکه آنها مطیع خداوند بشوند یا نشوند (ر.ک
میک:۵:۱۴).

دعوی خداوند با قومش

۶ پس گوش فرا دهید به کلامی که
یهوه می گوید:

تث ۱:۳۲
اش ۱:۲

بر پا بایست! دعوی ای در برابر کوهها
بگشا

و بادا که تپه ها صدایت را بشنوند!

گوش دهید، ای کوهها، به دعوی یهوه،
گوش بسپارید ای بنیادهای زمین؛

اش ۱۳:۱۵-۱۳:۳
مز ۵۰:۶

زیرا یهوه با قومش در دعوی است،

او بر علیه اسرائیل اقامه دعوی می کند:

۳ «ای قوم من، به تو چه کرده ام

هو ۱:۴

در چه چیز تو را خسته ساخته ام؟ مرا

یوشع ۲۴:۱۳-۲۴:۲

جواب ده.

۴ آیا به این سبب است که تو را از

اش ۴۳:۲۳

سرزمین مصر بر آوردم^o

و از خانه بردگی رهایی ات دادم،

خرو ۲۰:۲

و در برابر تو گسیل داشتم

موسی و هارون و مریم را؟

۵ ای قوم من، به یاد آور آنچه را که طرح

ریخته بود

بالاق، پادشاه موآب،

و آنچه را که به او جواب داد

بلعام پسر بعور.

[به یاد آور] از شطیم تا به جلجال را^p

تا آگاه شوی از نیکویی های یهوه^q.

۶ با چه چیز به یهوه نزدیک شوم؟

و در برابر خدای متعال خم شوم؟

آیا با قربانی های سوختنی به او نزدیک

شوم،

با گوساله های یکساله؟

۷ آیا یهوه هزاران قوچ را خواهد پذیرفت،

کرورها نهر روغن را؟

آیا نخست زاده خود را برای جنایت بدهم، خرو ۳۴:۲۰

ثمره احشایم را برای گناه جانم^r؟

۸ ای بشر، تو را آگاه ساخته اند از آنچه

که نیکو است

و از آنچه که یهوه از تو می طلبد؛

تث ۱۰:۱۲

فقط اینکه عدالت را به عمل آوری،

اش ۱:۱۷

وفاداری را دوست بداری

هو ۲۱:۲

عا ۵:۲۴

مت ۲۳:۲۳

و با خدایت با فروتنی^s سلوک نمایی^t.

^o در عبری، میان کلمات «هلتيكا» (تو را خسته ساخته ام) و «هلتيكا» (تو را بر آوردم) بازی شده است. طبیعی است که این خداوند نیست که اسرائیل را خسته کرده، بلکه هم او است که به علت بر آوردن قومش از سرزمین مصر خسته شده است. آیات ۳-۵ فهرستی از اتهاماتی است که خدا بر علیه ناسپاسی های اسرائیل اقامه می کند؛ نکات این فهرست اتهامات در برخی از آیینهای جمعه مقدس به کار رفته است.

^p این دو شهر که در دو طرف رود اردن قرار داشت، در حکم نقطه حرکت بنی اسرائیل از آن سوی اردن و نقطه ورودشان به سوی دیگر بود (یوشع ۳-۵).

^q تحت اللفظی: «تا آگاه شوی از عدالت های یهوه»؛ این عبارت، بخش پایانی عبارت «به یاد آور» می باشد. منظور از «عدالت های یهوه» آن اعمالی است که او از طریق آنها عدالت خود را در حق قومش نشان داده است؛ در چشم انداز کتاب مقدس، این عدالت به معنی وفاداری او به وعده های نجاتی است که به قومش داده بود. در اینجا شاهد یادآوری تمام حماسه خروج می باشیم: خروج از مصر، سرگردانی در بیابان و ورود به سرزمین موعود.

^r مردمان روزگار میکاه که قادر به حفظ خصوصیت اخلاقی عهد الهی نبودند، فقط به جنبه های صرفاً تشریفاتی مذهب می پرداختند. ایشان می پنداشتند با افزودن به تعداد قربانی های خود، می توانند مطالبات تورات را به جای آورند؛ در این امر حتی تا حد قربانی کردن فرزندان نشان نیز پیش می رفتند که رسمی وحشیانه بود که از دنیای کنعانی اطراف خود اخذ کرده بودند؛ این رسم صراحتاً از سوی شریعت منع شده بود (لاو ۱۸:۲۱، ۲۰:۲-۳؛ تث ۱۲:۳۱، ۱۸:۱۰؛ ر. ک ۱-۱۶:۳۴؛ ۲-۱۶:۳؛ حزق ۲۱:۶؛ حزق ۲۰:۲۶).

^s در مورد معنی کلمه ای که در اینجا در عبری به کار رفته، بحث هست. بعضی چنین ترجمه کرده اند: «بکوشی که با خدایت سلوک نمایی».

^t نبی در اینجا از سوی خدا، طرح ایمانی اصیل را ارائه می دهد، طرحی که در تضاد تکان دهنده با نگرش قوم اسرائیل قرار دارد. طبق این طرح، تقدیم قربانی فقط زمانی ارزش دارد که برخاسته از زندگی ای باشد که تماماً به خدا وقف شده.

مکافات اورشلیم، مجازات بی عدالتی های اجتماعی

این صدای یهوه است!

او بر شهر فریاد می زند

- و عاقلانه است ترسیدن از نام تو!^{۱۱} -

گوش فرا دهید، ای قبیله و ای جماعت

شهر^۷،

که ثروتمندانش آکنده اند از خشونت

و ساکنانش دروغ بر زبان می آورند

و زبانشان فریبی است در دهانشان.

آیا باز می توانم در خانه آدم بدکار

تحمل کنم

گنجهای ظالمانه را

و ایفۀ ضعیف شده و نفرت انگیز را^{۱۲}.

آیا می توانم ترازوهای ظالمانه را

عادلانۀ^x بدانم

و کیسه ای که وزنه های فریبکارانه دارد؟

بنا بر این، من به نوبۀ خود، شروع

کرده ام به زدن تو،

به نابود ساختن به سبب گناهانت.

تو خواهی خورد، و سیر خواهی شد

... در اندرونت^{۱۴}!

کنار خواهی گذاشت، اما نجات خواهی داد،

لا و ۱۹:۳۵:
تث ۲۵:۱۳-۱۶:
مز ۲۰:۱۰

هو ۱۲:۸

عا:۵

تث ۲۸:۳۰-۳۳:
هو ۴:۱۰

و آنچه که نجات دهی، من آن را به

شمشیر خواهم سپرد:

^{۱۵} تو خواهی کاشت، و درو خواهی کرد:

زیتون را لگدمال خواهی کرد، و خود را

به روغن خواهی پوشاند:

عصارۀ انگور خواهی داشت، و شراب

خواهی نوشید.

^{۱۶} تو فرایض عمری را نگاه می داری^z

و تمامی اعمال خاندان اخب را:

شما مطابق مشورت های ایشان سلوک

می نمایید،

تا تو را به نابودی بسپارم

و ساکنانت^a را به استهزا:

و شما متحمل رسوایی قوم ها خواهید شد.

۱-۲۱پا:۲۵-۲۶

مرثیۀ نبی در برابر فساد قوم

ای بر من!

زیرا همچون درو تابستان می باشم،

همچون چیدن خوشه ها به گاه

انگورچینی:

خوشه ای برای خوردن نیست،

انجیر زودرسی نیست تا گلویم در طمع آن

باشد^b!

u متن آیات ۹-۱۰ مخدوش است و ممکن است حاوی اضافاتی باشد. جمله «عاقلانه است ترسیدن از نام تو» را می توان بر اساس ترجمۀ یونانی چنین برگرداند: «او آنانی را که از نامش می ترسند نجات خواهد داد». طبق متن عبری نیز می توان آن را چنین ترجمه کرد: «نام تو کامیابی را خواهد دید». این جمله احتمالاً تفسیری است که بعدها به متن اضافه شده و به سبک نوشته های حکمتی است.

v ترجمۀ ما مبتنی است بر برخی نسخ خطی یونانی. قرائت عبری: «و کیست که آن را باز برقرار کرده باشد؟» می توان این گونه نیز قرائت کرد: «آیا می توانم بت ظالمانه و گنجهای ظالمانه ... را تحمل کنم؟» (یعنی به جای «بیت» یعنی خانه، «بت» خوانده شود). در اینصورت، باید توجه داشت که «بت» و «ایفه» واحدهای اندازه گیری حجم هستند.

x تحت اللفظی: «خالص بدانم».

y کلمۀ اول این مصرع قابل درک نیست.

z قرائت عبری: «او می کوشد فرایض عمری را نگاه دارد». ترجمۀ ما مبتنی است بر ترجمه های یونانی و سریانی و ولگات.

a قرائت عبری: «ساکنانش». ترجمۀ ما مبتنی است بر معنای متن.

b سبک این جملات، مقطع و بدون حرف ربط است. تحت اللفظی: «من همچون دروگران تابستان هستم، همچون چیدن انگور خوشه چینی، نه یک خوشه برای خوردن، نه میوه ای زودرس، دوست دارم».

عروس بر علیه مادر شوهر خود،
و دشمنان هر کس مردمان خانه اش
خواهند بود.

اما من انتظار یهوه را می کشم،
و به خدای نجات خویش امید می بندم؛
خدای من مرا خواهد شنید.^f

آدم وفادار از سرزمین ناپدید می شود،
در میان مردمان یک عادل هم نیست!
همگی در کمین اند برای [ریختن]

مز: ۱:۱۴-۳
ار: ۱:۵

خون،
هر کس، دیگری را به دام می راند.
بدی! دستهایی هست تا آن را به خوبی
انجام دهند؛

مز: ۱۱:۲۰-۱۸

رئیس مطالبه می کند و داور به دنبال
دریافت پاداش است،

اش: ۵:۲۳-۲۳

شخص بزرگ از جان خود را نمایان
می کند،^c

و [عدالت] را منحرف می سازند.^d

بهترین آنان همچون خار است،
راست ترین (ایشان) بدتر از پرچین
تیغها.

اینک آن روزی که دیدبانان
[پیشگویی کرده بودند]،
مکافات فرا رسیده است؛^e

ار: ۱۷:۶
حب: ۱:۲

اینک، گریز ایشان است.
دوستی را باور مکنید،^۵

به شخص نزدیک به خود اعتماد منما؛
در برابر کسی که بر سینه ات می آرامد
درهای دهانت را نگاه دار.

زیرا پسر پدر را سرشکسته می سازد
دختر بر علیه مادر خویش بر می خیزد،

مت: ۱۰:۳۵-۳۶
لو: ۱۲:۵۳
ملا: ۲:۳۶

آیین نیایش امید^g

^۱در باره من شادی منما، ای زنی که
دشمن من هستی؛

اش: ۱:۳۳-۲۴
مز: ۱۸:۳۰-۲۰
عو: ۱۲-۱۳
مز: ۲۷:۱

اگر بیفتم، بر خواهم خاست،
اگر در ظلمات ساکن باشم،

یهوه نور من است.

^۲غضب یهوه را تحمل خواهم کرد،

چرا که بر علیه او گناه کرده ام،

مز: ۴۱:۵

تا آن گاه که از امر من دفاع کند

و در حق من عدالت را به عمل آورد؛

او مرا به نور بیرون خواهد آورد

و عدالت او را خواهم دید.

^۳آن زنی که دشمن من است این را

خواهد دید

و شرمساری، او را خواهد پوشاند،

عو: ۱۰

هم او که می گفت:

«کجا است یهوه، خدایت؟»

چشمانم از مشاهده او شادی خواهد کرد

یول: ۲:۱۷
مز: ۶:۴۲-۱۱
۲:۱۱۵:۱۰:۷۹

c تحت اللفظی: «شخص بزرگ از جان خود را می گوید».

d تحت اللفظی: «او و پیچ می دهند». در مورد این فعل قطعی وجود ندارد و متن قابل درک نیست.

e تحت اللفظی: «مکافات فرا رسیده است».

f می توان این آیه را به آیین نیایشی که در پی می آید متصل کرد.

g آیات ۸-۲۰ قطعه ای شبیه به آیین نیایش امید را تشکیل می دهند که در آن شاهد گفت و گویی میان اسرائیل و خدا هستیم؛ شاید سخنگویی مذهبی به نمایندگی از طرف خدا سخن می گوید. قوم ایمان و امید خود را اعلام می دارد (آیات ۸-۱۰) و از سوی خدا پاسخی مبنی بر وعده نجات داده می شود (آیات ۱۱-۱۳). به دنبال استعاضه قوم در آیه ۱۴، عجایب الهی اعلام می شود (آیات ۱۵-۱۷). قطعه با سرودی خطاب به خدای وفادار و پر شفقت خاتمه می یابد (آیات ۱۸-۲۰).

دست بر دهان خویش خواهند گذارد و گوشه‌اشان کر خواهد شد.	آن گاه که لگدمال شود به سان گل کوچه‌ها!	
۱۷ خاک را مانند مار خواهند لیسید، مانند [حیواناتی] که بر زمین می‌گردند؛ از دژهاشان لرزان بیرون خواهند آمد؛ به سوی بیهوه، خدای ما، لرزان خواهند آمد،	۱۱ اینک روی بازسازی دیوارها؛ در آن روز، مرزت به عقب رانده خواهد شد؛ ۱۲ در آن روز، تا به تو خواهند آمد از آشور تا به مصر ^h از مصر تا به نهر ⁱ ، از دریا تا به دریا، از کوه تا به کوه!	ع۱۴:۹ زک ۹:۱۰ مز ۷۲:۸-۹
۱۸ کیست خدا همانند تو، که خطا را تحمل کند، و بگذرد از جنایت بازمانده میراثت؟ خشم خود را برای همیشه نگاه نخواهد داشت، چرا که وفاداری را دوست می‌دارد! ۱۹ او دیگر بار بر ما رحم خواهد کرد و خطاهای ما را لگدمال خواهد نمود. به ورطه‌های دریا خواهی افکند جمله گناهان ما را.	۱۳ زمین بدل به ویرانه خواهد شد به سبب ساکنانش، به خاطر ثمره اعمالشان. ۱۴ قومت را با چوبدست خود بچران، گله میراثت را که در جنگل در انزوا ساکن است در میان یک باغ میوه ^j . باشد که در باشان و جلعاد بچرند، همچون روزگاران باستان!	صف ۱۸:۱ مز ۷۴:۱۰:۷:۹۵ نت ۲۹:۹ ار ۵۰:۱۹
۲۰ در حق یعقوب امانت نشان خواهی داد، و وفاداری در حق ابراهیم، آن سان که سوگند خوردی برای پدران ما از روزگاران کهن!	۱۵ همچون روزهایی که از مصر بیرون آمدی، عجایب به ما بنمایان ^k ! ۱۶ ملت‌ها خواهند دید و خجل خواهند شد از تمامی قدرت خود؛	مز ۷۴:۱۰:۷:۹۵ نت ۲۹:۹ ار ۵۰:۱۹ اش ۷:۶۳-۹ آمدی،

h قرائت عبری: «از آشور و شهرهای مصر».

i قرائت یونانی: «از صور». منظور از نهر، رود فرات است.

j قرائت عبری: «کرمل». در اینجا، واژه «کرمل» در معنای عام آن به کار رفته، نه همچون نامی برای اشاره به رشته کوه معروف به همین نام. این کلمه احتمالاً یادآور زمینهای غنی ای است که ناحیه یهودا را احاطه می‌کند و در این زمان در اشغال بیگانگان قرار دارد؛ و این در حالی است که قوم اسرائیل باید به زمینی نامرغوب بسنده کند که در آن چیزی جز خار و خاشاک نمی‌روید. «روزهایی که از مصر بیرون آمدی»: قرائت عبری: «از سرزمین مصر». خروج همچون حرکت یهوه تلقی شده که در رأس قوم خود، از مصر بیرون می‌رود (ر.ک مز ۱۱۴:۱: داور ۵:۴؛ خروج ۱۳:۲۱). در خصوص یهوه که «بیرون می‌رود»، ر.ک مز ۴۴:۱۰: ۶۰:۱۲: ۶۸:۸: ۱۰۸:۱۲: ۲- سمو ۵:۲۴.

k (به ترجمه اوستی مربوط نمی‌شود/آرمان)

l تغییر ضمایر به دلیل تناوبی است که میان تأمل و استغائه وجود دارد.